



اینکه هویت ازدست رفته خود را باز یابد، نیاز دارد که مداخلات رفاهی داشته باشد. این مداخلات رفاهی را می‌شود دو نوع تحلیل کرد؛ ۱- نوعی نگاه اقتصادی متعارف؛ در این نگاه دولت خیرخواهی را در نظر بگیریم که به دنبال ماکسیم کردن رفاه اجتماعی است و متناسب با آن به توزیع رانت‌های در اختیار خود اقدام می‌کند؛ مثلاً اقلام بهداشتی را طبق هر مکانیسمی که خودش می‌خواهد و طبق هر مکانیسمی که رفاه اجتماعی را ماکسیم می‌نماید به نیازمندا بدهد.

نگاه مطرح در جریان متعارف از نظر نگاه اقتصاد سیاسی چندان پذیرفته نمی‌شود. در واقع دولت‌ها در نگاه اقتصاد سیاسی علاوه بر اینکه دنبال تخصیص رانت در چارچوب دموکراتیک هستند (این را کتمان نمی‌کنیم)، گروه‌های ذی‌نفعی هم دارند که توزیع رانت آن‌ها را در اولویت قرار می‌دهند. این در اولویت قرار دادن توزیع رانت، می‌تواند ساختار نابرابری، یعنی اقشار مرفه و ثروتمند جامعه را تغییر دهد. البته این امر به مطالعات جدی نیاز دارد؛ چون معمولاً گروه‌های ثروتمند در حلقه نخست ذی‌نفعان دولت‌ها هستند؛ یعنی الآن دولت‌ها اگر بخواهند در فضای اقتصاد سیاسی تصمیم بگیرند و بخواهند ذی‌نفعان خود و کسانی را مدنظر قرار دهند که منافع مقرر برای دولت داشتند و دولت هم برای آن‌ها منافع مقرر دارد، بالطبع ثروتمندان فعلی هم جزئی از آن‌ها هستند و این می‌تواند مانع به هم خوردن نابرابری شود.

همچنین در فضای سیاسی کنونی، بحث‌هایی مطرح است مبنی بر اینکه با شیوع کرونا در انتخابات ادوار بعدی کشورهای مختلف احتمال رأی آوردن رویکردهای حمایتگر و رویکردهایی با صبغه پررنگ سلامت و سلامت اجتماعی بالا می‌رود؛ این فضا می‌تواند ساختار نابرابری را به نحو اساسی متأثر کند؛ یعنی ممکن است قشری رأی بیاورند که اولویت اصلی‌شان به هم زدن ساختارهای موجود باشد.

نوع سیاست‌ورزی جدیدی که دارد حاکم می‌شود، اثرات خاص خود را خواهد داشت!

دکتر سلیمانی: اگر آن قشر خاستگاهی خارج از جریان اصلی و فعلی قدرت و ثروت کنونی داشته باشد، این واقعه متصور خواهد بود؛ به عبارت دیگر در شرایط فعلی زمان اندکی از شیوع کرونا گذشته است و به همین علت ما نمی‌توانیم در این زمینه تحلیلی انجام دهیم و تصور چنین رویدادی هست.

در تصمیم‌گیری استرس بیشتری دارند. این استرس در واقع فرایند تصمیم را مختل می‌کند و اساساً زایش سرمایه و دارایی‌های محدود آن‌ها را محدودتر می‌کند. این امر برای طبقه فقیر و متوسط جامعه خیلی چالش‌برانگیز خواهد بود. بزرگ‌ترین آسیبی که کرونا دارد به جهان وارد می‌کند از جنس نادانی و ناآگاهی است و باید بررسی کرد که چرا این ناآگاهی پرهزینه است. به نظر می‌رسد این ناآگاهی، جهل و شرایط عدم تصمیم برای فقرا پرهزینه‌تر است.

با این پیش‌فرض که فضا تا حدی به نفع طبقه ثروتمندتر است، این بحث پیش می‌آید که با وجود کرونا دخالت دولت‌ها در اقتصاد ملی افزایش پیدا کرده، باعث می‌شود الگوی نابرابری جدیدی در اقتصاد جهانی شکل بگیرد؛ الگویی که برخلاف دوره پیشین بر مبنای اصول حاکم بر سرمایه‌داری نیست، بلکه بر مبنای حضور دولت‌ها در اقتصاد و رانت زیادی است که این دولت‌ها برای طبقه خاص جدید ایجاد می‌کنند.

دکتر سلیمانی: به نکته درستی اشاره فرمودید؛ حداقل در کوتاه‌مدت، یعنی دورانی که شاید بیش از پنج سال هم طول بکشد، دوره ملی‌گرایی خواهد بود؛ ملی‌گرایی نه به مفهوم اقتصادی که به دنبال ملی کردن صنایع باشد؛ بلکه بیشتر به مفهوم سیاسی کلمه که ناسیونالیسم را دنبال کند. در این فضا دولت برای

می‌گیرد و بعد به مرور ارزش دارایی‌ها بالا می‌رود و شاخص‌های بازار سرمایه رشد می‌کند. در خیلی از کشورهای دنیا مشاهده کردیم که پدیده احیای نسبی اتفاق افتاد. احیای نسبی افت ارزش دارایی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرش را کمتر می‌کند. نمی‌خواهم فرضیه‌ای را که شما مطرح کرده‌اید، رد کنم؛ اما باید بگویم نیاز به بررسی جدی‌تری دارد؛ چون اکنون آثار بیکاری برای بخش بزرگی از جامعه که در طبقات پایین متوسط بودند، به بیکاران منتقل می‌شود و دربردارنده شروط و شرایط واگذاری دارایی است؛ خیلی ساده بگویم، فروش دارایی برای افرادی که در شرف فقر قرار می‌گیرند، ابزاری است که بتوانند تغذیه مناسب خود را تأمین کنند، یا معیشت خود را بگذرانند.

می‌توان بسته‌های نجات اقتصادی را که دولت‌ها تعیین کرده‌اند، به بحث شما اضافه کرد. این‌ها قدری ارزش پول ملی کشورها را کاهش می‌دهد، اخیراً هم پیش‌بینی IMF برای بعضی از کشورهایی که این بسته‌ها را تنظیم کرده‌اند و حتی آمریکا افزایش تورم پیش‌بینی کرد و در واقع تورم دارد اتفاق می‌افتد و نابرابری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دکتر سلیمانی: طبیعی است که برنده تورم هم قشر ثروتمند خواهد بود؛ چون دارایی دارد. بحث اثر کرونا روی دارایی و نابرابری خیلی پیچیده است. فقرا و طبقه متوسط به دلیل داشتن گزینه‌های محدود